

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۵، شماره ۹۰، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۱ تا ۱۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

اثر هشدار در رفع ضمان از مسئولین تبعی

| اصغر عربیان | استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی،
واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
| پرویز اکبری* | دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد
علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

عمده مباحث مطروحه از ناحیه پژوهشگران در قاعده تحذیر (هشدار) پیرامون عامل اصلی زیان است. هشداردهنده به عنوان عامل زیان پاسخگوی اصلی جبران خسارت است و با استناد به قاعده هشدار با جمع شرایط از مسئولیت مبرا می‌شود؛ ولی اشخاصی مانند عاقله، بیمه و بیت‌المال که به تبع عامل اصلی، مسئول تلقی می‌شوند، آیا با قاعده هشدار از ضمان مبرا می‌شوند؟ در پرسیمان تأثیر قاعده مذکور و میزان و کیفیت آن در رفع ضمان از مسئولین تبعی پاسخی داده نشده است. قاعده هشدار به عنوان یکی از قواعد معتبر فقهی، برگرفته از یکی از داورهای علی (ع) است که آن حضرت فرمودند: «قَدْ أَعَدَّ مَنْ حَذَّرَ» یعنی: کسی که هشدار دهد معذور است. با استفاده از ملاک رفع مسئولیت، که در قوانین مختلف نیز جلوه‌گر است، درباره مسئولین تبعی مانند عاقله، بیمه و بیت‌المال نیز اثرگذار است. با این وصف در صورت تحقق شرایط و در نتیجه صدق قاعده هشدار، افزون بر رفع مسئولیت از عامل زیان، عاقله و بیت‌المال نیز تکلیفی به پرداخت خسارت ندارند ولی رفع مسئولیت از عامل اصلی زیان منافی با جبران خسارت زیان‌دیده از طریق مراجعه به بیمه نیست. واژگان کلیدی: قاعده تحذیر، هشدار، عاقله، بیمه، بیت‌المال

* نویسنده مسئول؛
Email: akbari499@yahoo.com

مقدمه

فقه‌ها دربارهٔ معافیت و ارتفاع مسئولیت و عوامل موجههٔ فعل زیان‌بار، در کنار عواملی مانند اضطرار، احسان، دفاع مشروع و اذن، به موضوع هشدار (تحدیر) پرداخته‌اند و هشدار را به‌عنوان یکی از مُسقطات ضمان از مسئول اصلی دانستند به طوری که بر پایهٔ قاعدهٔ هشدار چنانچه کسی پیش از هرگونه عمل مشروع خطرآفرین، یا پیش از وقوع ضرر، خطرات احتمالی را به‌نگام و با ابزارهای متناسب و متعارف، به دیگران در معرض خطر، گوشزد نماید ولی مخاطب علی‌رغم آگاهی و اطلاع از اخطار یادشده به آن توجهی نکند و در این رهگذر متحمل زیان شود، هشداردهنده به‌طور کامل از مسئولیت مبرا است. این قاعده در گسترهٔ فقه و حقوق یک قاعدهٔ کاربردی شناخته شده و مصادیق فراوانی را شامل می‌شود به طوری که در قوانین و مقررات از سوی قانون‌گذار بدان توجه شده است. کارایی این قاعده نسبت به هشداردهنده و مخاطب هشدار و اشخاص ثالث و به‌گونهٔ کلی در انواع مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت شخصی و مسئولیت فعل دیگری و مسئولیت اشیاء و مسئولین تبعی درخور بررسی است.

هشدار دربارهٔ هشداردهنده این اثر را داراست که سبب رفع کامل مسئولیت از وی یعنی مسقط ضمان هشداردهنده است و مسئول اصلی می‌تواند از قاعدهٔ هشدار به‌عنوان یک دفاع کامل در رفع مسئولیت از خود استفاده نماید. (ابن براج، ۲/۱۴۰۶: ۵۱۵؛ شهید ثانی، ۱۵/۱۴۱۳: ۳۴۲؛ اردبیلی، ۱۴/۱۴۰۳: ۲۴۴؛ نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۶۸) در بسیاری از مواقع و طبق اجازهٔ قانون اشخاصی هستند که به‌تبع مسئول اصلی واجد مسئولیت می‌باشند؛ اکنون پرسش اساسی این است که قاعدهٔ هشدار چه کارایی‌ای در رابطه با مسئولین تبعی مانند عاقله، بیمه و بیت‌المال دارد؟ با فرض وجود تأثیر، نحوه و کیفیت و میزان تأثیر آن در رفع ضمان چیست؟ و مسئولین تبعی یادشده تا چه حدی در جهت رفع مسئولیت از خود می‌توانند به قاعدهٔ هشدار استناد نمایند؟

در راستای پاسخ به سؤالات فوق، در بادی امر بایسته است به معنی هشدار و ادله و مستندات و شرایط تحقق قاعدهٔ هشدار اشاره شود و سپس به بازگفت کارایی قاعده در برابر عامل اصلی فعل زیان‌بار گذری داشته و در نهایت با برشمردن مسئولین تبعی و تعیین گسترهٔ این‌گونه مسئولیت‌ها، تأثیر قاعدهٔ هشدار و میزان و چگونگی تأثیر آن نسبت به هریک از مسئولین سه‌گانهٔ تبعی (بیت‌المال، عاقله، بیمه) را مورد کنکاش و واکاوی قرار می‌دهیم.

۱. معنی لغوی و اصطلاحی

واژهٔ هشدار در زبان پارسی، به معنی «هش داشتن» و خبرکردن، متوجه ساختن، ملتفت بودن، مراقب و مواظب بودن آمده (دهخدا، ۱۳۷۷) و در زبان تازی معادل واژهٔ «تحدیر»، به معنای ترساندن (زبیدی، ۶/۱۴۱۴: ۲۵۹)، جلوگیری کردن از چیز مضر (طریحی، ۲/۱۴۱۶: ۲۶) آمده و

در بیشتر کتب لغت به پرهیز دادن و بیدار نمودن (ابن فارس، ۱۴۰۱/۲: ۳۷؛ جوهری، ۲/۱۴۱۰: ۶۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴/۴: ۱۷۶؛ قرشی، ۲/۱۳۷۱: ۱۱۳) معنی شده است. واژه هشدار از دیدگاه حقوق دانان، از معنای لغوی آن دور نیفتاده و در مفهوم آگاه‌سازی کسی که در معرض زیان است از سوی عامل زیان نسبت به زیان محتمل به کار رفته است. همچنین گفته شده: «از پیش گفتن خطر ذاتی در یک فعالیت مشخص» (جامپیون جونوز، ۱۳۸۸: ۲۴۲). قانون‌گذار ایران نیز هرچند به تعریف هشدار نپرداخته؛ اما واژه هشدار و مصادیق آن، در پاره‌ای قوانین مانند تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامه راهنمایی‌وراندگی مصوب ۱۳۸۲ (مواد ۵۵، ۸۷)، ذکر شده که بیانگر توجه مقنن به عنصر هشدار است.

۲. ادله و مبانی قاعده هشدار

یکی از مستندات حجیت هشدار از ناحیه فقهای امامیه، روایت صحیح ابوالصلاح کنانی از امام صادق علیه‌السلام در مورد یکی از قضاوت‌های علی (ع) است؛ آنجا که کودکانی در حال بازی با گردو (فلاخن) بودند و یکی از آنان گردویی پرتاب نمود و گردو به دندان دیگری برخورد نمود و دندان او را شکست و مرافعه نزد امام علی (ع) بردند و کودک پرتاب‌کننده گردو، اقامه بینه نمود که قبل از پرتاب گردو به سوی هم‌بازی‌اش، هشدار داده است. حضرت او را از قصاص تبرئه کرد و فرمود: آن‌کسی که هشدار می‌دهد معذور است^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹/۲۹: ۶۹). به‌علاوه روایت فوق توسط محمدون ثلاثه (کلینی، ۱۴۰۷/۱۴: ۳۳۱؛ طوسی، ۱۴۰۷/۱۰: ۲۰۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳/۴: ۱۰۲) و علمای حدیثی دیگری (شریف الرضی، ۱۴۰۶: ۸۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶/۱۶: ۸۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶/۱۶: ۴۸۱؛ نوری، ۱۴۰۸/۱۸: ۲۳۵؛ بروجردی، ۱۳۸۶/۳۱: ۴۸۸) نقل شده و شهرت عملی نیز به‌عنوان یکی از منابع در حجیت هشدار ذکر گردیده است به‌طوری‌که فقهای مشهوری به روایت امام صادق (ع) در جهت صدور حکم و افتاء استناد نموده‌اند. اگرچه در خصوص حجیت هشدار به‌عنوان رافع مسئولیت، در میان فقها اجماع وجود ندارد و لکن صاحب جواهر می‌فرماید: مخالفی در این حکم (رفع مسئولیت هشداردهنده) ندیده‌ام (نجفی، ۱۴۰۴/۴۳: ۶۹). علاوه بر این روایت مشهور، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مستند و مدرک برای اثبات حجیت هشدار در انتقای مسئولیت، بنای عقلا و عرف بیان شده است (بجنوردی، ۱۳۸۷/۱: ۱۲۶؛ محقق داماد، ۱۴۰۶/۲: ۲۳۹). بعضی از فقها و حقوق دانان، قاعده اقدام و تسبیب (سبب اقوی از مباشر) را نیز به‌عنوان ادله و مستندات قاعده مذکور بیان داشته‌اند. مفاد قاعده اقدام این است که هر کس به ضرر خود اقدامی نماید، کسی به نفع

۱. «كَانَ صَبِيَّانِ فِي زَمَانِ عَلِيٍّ يَلْعَبُونَ بِأَخْطَارٍ لَهُمْ - فَرَمَى أَحَدُهُمْ بِخَطَرِهِ فَدَقَّ رِبَاعِيَةَ صَاحِبِهِ - فَرَفَعَ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَأَقَامَ الرَّامِي النَّبِيَّةَ - بَأَنَّهُ قَالَ حَدَارٍ فَدَرَأَ عَنْهُ الْقِصَاصَ - ثُمَّ قَالَ قَدْ أَعْدَرَ مَنْ حَدَّرَ»

او مسئولیتی ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۷۰). صاحب عناوین قاعده اقدام را از جمله مسقطات ضمان دانسته و در تعریف اقدام می‌گوید: «أن المالك إذا أقدم على إسقاط احترام ماله و بنی علی عدم العوضیة سقط ضمانه» (میرفتاح، ۱۳۹۷: ۲/۴۸۷). وقتی خود مالک اقدام به ضرر بر علیه خودش نماید دیگر دلیلی ندارد که شخص دیگر به خاطر احترام مال او یا رفع ضرر از او ضامن محسوب شود. (لطفی، ۱۳۹۲: ۱۸۸) یکی از موارد استناد فقها به قاعده اقدام موردی است که اقدام شخص بر ضرر خود اعم از مال یا جان یا اعضا و جوارح خود با وجود هشدار و رسیدن هشدار به او و امکان فرار وی عنوان نموده‌اند (بجنوردی، ۱/۱۳۸۷: ۸۵).

قطع رابطه استناد عرفی را می‌توان به عنوان مبنای قاعده هشدار مطرح کرد چراکه دامنه آن از نظر گستردگی، وسیع‌تر است و با دیگر نظرات ارائه شده در مبنای حجیت هشدار مانند قاعده اقدام، تسبیب و تقصیر هم‌خوانی دارد. در قاعده اقدام که یکی از علل مسقط ضمان به شمار می‌رود، علت سقوط ضمان، اقدام زیان‌دیده به ضرر خویش است؛ یعنی کسی که احترام مال خودش را نداشته باشد و برخلاف قاعده احترام عمل نموده و علیه خودش اقدام نماید، به راستی قطع رابطه سببیت میان زیان و عامل زیان صورت گرفته است و عرف، زیان را مستند به مخاطب هشدار می‌داند. در حقیقت در این موارد، زیان مستند به خود زیان‌دیده است و بدیهی است، در چنین موردی امکان رجوع به عامل زیان برای جبران خسارت وجود ندارد. در اقوی بودن سبب از مباشر، سبب باید به گونه‌ای باشد که عمل زیان‌بار تنها مستند به سبب باشد تا توانایی رفع ضمان از مباشر را داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴/۳۷: ۵۵)؛ و با نگرش به اینکه تقصیر مبنای مسئولیت نبوده بلکه کاربرد تقصیر در جهت احراز استناد عرفی فعل زیان‌بار و عامل زیان می‌باشد؛ لذا قطع رابطه استناد عرفی می‌تواند به عنوان مهم‌ترین مبنای رفع مسئولیت عامل زیان در قاعده هشدار تلقی شود.

۳. شرایط هشدار رافع مسئولیت

برای اثربخشی هشدار شرایطی لازم است و این شرایط در قابلیت اعمال قاعده تحذیر مداخلیت دارد؛ به طوری که اگر شرایط هشدار وجود نداشته باشد، هشداردهنده از مسئولیت مبرا نمی‌شود. از این‌روی، بررسی این شرایط حائز اهمیت است. برخی از این شرایط ناظر به هشدار و فعل موضوع هشدار و برخی ناظر به هشداردهنده و نیز مخاطب هشدار است. در اینجا هرکدام از این شرایط، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تناسب هشدار با خطر

گفته شده در ضمان رامی، چنانچه هشدار به گونه‌ای داده شود که مخاطب هشدار آن را نشنود، مسئولیت از هشداردهنده رفع نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳/۱۵: ۳۴۲). هشدار مؤثر، هشدار است

که صریح و روشن، متعارف و قابل فهم برای مخاطبان باشد. (بجنوردی، ۱/۱۳۸۷: ۱۲۷) برخی از فقها گونه‌های هشدار را به: قولی، کتبی و عملی بیان تقسیم کرده‌اند (سبزواری ۲۹/۱۴۱۳: ۱۱۷). البته به نظر می‌رسد؛ اقسام مذکور حصری نیست. بلکه با توجه به نوع خطر و تناسب هشدار با خطر احتمالی و موقعیت زمانی و مکانی و وضعیت مخاطب هشدار، انواع دیگری را می‌توان احصا کرد که با دیگر حواس انسان مانند لامسه و بویایی و چشایی در ارتباط هستند. از این رو گفته شده؛ ضابطه در تشخیص هشدار مؤثر، عرف است (مقدادی، ۱۳۹۰: ۱۷۸). قانون‌گذار نیز بر رعایت شرط «تناسب هشدار با خطر» تأکید داشته و عدم مسئولیت عامل ظاهری زیان را منوط به علم و آگاهی مجنی علیه به خطر و عدم توجه به علایم هشداردهنده نموده است (مادتین ۵۰۷ و تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

۲-۳. عمدی نبودن عمل زیان بار

عمل هشداردهنده، باید قانونی و مشروع باشد و هشدار در اعمال و رفتارهای نامشروع و غیرقانونی نمی‌تواند رافع مسئولیت قلمداد شود (مقدادی، ۱۳۹۳: ۱۳۹؛ صباح مشهدی، ۱۳۸۵: ۱۸). اگر اصل عمل هشداردهنده، غیرقانونی باشد، عامل زیان نمی‌تواند به استناد هشدار از مسئولیت مبرا شود و در واقع، عمل زیان بار هشداردهنده نباید از روی عمد و قصد و برای ضرر زدن باشد. «و لو ثبت أنه قال: حذار، لم یضمن إن لم یقصد» (فاضل هندی، ۱۱/۱۴۱۶: ۲۵۲). به نظر می‌رسد؛ غیرقانونی و نامشروع بودن اصل عمل، در صورتی مانع از معافیت هشداردهنده می‌شود که در وقوع حادثه به‌عنوان علت اصلی قلمداد شود.

۳-۳. تقدم هشدار بر عمل زیان بار

در بیشتر مواقع، بین عمل زیان بار و ورود ضرر فاصله زمانی وجود دارد. سؤالی که می‌توان مطرح کرد این است که آیا شرط تقدم هشدار ناظر به عمل زیان بار است یا ضرر؟ مستفاد از نظر بعضی از فقها این است که ملاک، هشدار پیش از وقوع ضرر است یعنی تقدم هشدار بر عمل زیان بار: «لا ضمان علی من حذر و لا دية و لا قيمة و لا أرش لما یهلك بعد تحذیره» (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۰۳). به نظر می‌رسد در مسئولیت مدنی آنچه مهم و اساسی است ورود زیان به غیر است که باید جبران شود. فعل زیان بار مادامی که به زیان منتهی نشود، مسئولیت آور نیست.

۴-۳. وصول هشدار به مخاطب (امکان درک خطر)

اطلاع هشدارشونده از مفاد هشدار یکی از شرایط لازم برای رفع مسئولیت عامل زیان است. از این رو گفته شده رفع ضمان طبق قاعده هشدار یک اصل است و لکن شرط آن، شنیدن (اطلاع) زیان دیده می‌باشد (اصفهان‌ی، ۲۴/۱۴۰۴: ۴۸؛ علامه حلی، ۵/۱۴۲۰: ۵۳۴). فقهای دیگری نیز به

شرط مذکور اشاره نموده‌اند (فاضل هندی، ۱۱/۱۴۱۶: ۲۵۲؛ شهید ثانی، ۱۰/۱۴۱۰: ۱۲۰، اردبیلی، ۱۴/۱۴۰۳: ۲۴۳؛ حائری، ۱۶/۱۴۱۸: ۲۷۸؛ نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۶۸؛ کاشانی، ۱۴۰۸: ۷۱). البته قید «شنیدن» موضوعیت ندارد. به همین دلیل بعضی از فقها پس از بیان اقسام هشدار (شنیداری، دیداری، عملی) صراحتاً به آگاهی زیان‌دیده اشاره نمودند (سبزواری، ۲۹/۱۴۱۳: ۱۳۷).

۳-۵. امکان ترک خطر

شهید ثانی در کتاب شرح لمعه به شرط مذکور این چنین اشاره دارد: «و لو لم یقل: حذار، أو قالها فی وقت لا یتمکن المرمی من الحذر، أو لم یسمع فالذیة علی عاقله الرامی» (شهید ثانی، ۱۰/۱۴۱۰: ۱۲۰)؛ به این معنی که اگر عامل زیان هشدار ندهد و هشدار به موقع نباشد و برای مخاطب هشدار امکان اجتناب از خطر وجود نداشته باشد و یا زیان‌دیده هشدار را نشنیده باشد، مسئولیت عامل زیان باقی است. برخی از فقها نیز، «تمکن از عدول» را به‌عنوان یکی از شروط معافیت مسئولیت عامل زیان در قاعده هشدار برشمرده‌اند (اردبیلی، ۱۴/۱۴۰۳: ۲۴۳؛ حائری، ۱۶/۱۴۱۸: ۲۷۸؛ کاشف‌الغطا، ۳/۱۴۲۳: ۸۵). اگر شرط مذکور نباشد در واقع فایده‌ای بر هشدار عامل زیان مترتب نمی‌شود. مخاطب هشدار موقعی می‌تواند از خطر اجتناب نماید که امکان فرار باشد و اگر امکان ترک خطر نباشد، اساساً هشدار بی‌فایده تلقی می‌شود و نمی‌توان چنین هشدار را در رفع مسئولیت عامل زیان مؤثر دانست.

۴. اثر هشدار نسبت به مسئول اصلی

اگر عامل زیان (هشداردهنده) پیش از وقوع حادثه، با رعایت شرایط لازمه و به‌طور مؤثر، احتمال وقوع خطر را گوشزد نماید و مخاطب هشدار به‌رغم وصول و آگاهی از هشدار و امکان‌گریز از خطر، توجهی به هشدار ننموده و یا با پذیرش خطر، متحمل زیان شود، عامل زیان مبرا از مسئولیت مدنی است و در واقع عمل زیان‌دیده (ترک فعل) رابطه سببیت میان عمل عامل زیان و ضرر را قطع می‌کند و علت و سبب منحصر وقوع حادثه محسوب می‌شود. به سخن دیگر، فعل زیان‌دیده (عدم توجه به هشدار) یک سبب است که مؤثر در انقطاع رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و خسارت وارده است. سبب مذکور به‌اندازه‌ای قوی است که موجب قطع رابطه سببیت میان فعل خواننده و خسارت است و در نتیجه خواننده را به‌طور کامل از مسئولیت معاف می‌نماید.

در رفع کامل مسئولیت در نتیجه قاعده هشدار میان فقهای امامیه اختلافی وجود ندارد که در مباحث پیشین دلایل و مستندات آن بیان شد. حال در فرضی که عامل ظاهری زیان به‌صورت قراردادی و یا خارج از قرارداد وظیفه آگاهی دادن را دارد، به آن عمل نکنند، مسئولیت وی چگونه توجیه می‌شود. آیا به استناد قاعده هشدار مسئول است یا خیر؟ در قضیه حکمیت حضرت علی (ع) پرتاب‌کننده گردو

در هنگام بازی با ارائه بینه ثابت کرد که به وظیفه خود عمل نموده و هشدار لازم را داده است و لکن رهگذر بدون التفات به هشدار او از موضع خطر اجتناب نکرده است، از این رو در متن روایت به فرض مورد اشاره یعنی عدم هشداردهی عامل زیان تصریح نشده است. اگرچه بتوان با مفهوم‌گیری از روایت قائل شد که اگر پرتاب‌کننده ثابت نمی‌کرد که هشدار داده است محکوم به جبران خسارت می‌شد، اما بحث این است که در فرض مفهوم‌گیری از روایت مذکور و محکومیت عامل زیان، آیا این محکومیت به استناد قاعده هشدار بوده یا خیر؟ به نظر می‌رسد قاعده عام فقهی و حقوقی این است که هر کس مسئول عمل زیان‌بار خود است و هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند و رابطه سببیت میان عامل زیان (پرتاب‌کننده گردو) و خسارت وجود دارد و مسئولیت عامل زیان مستصحب است و استناد عامل زیان به قاعده می‌تواند یک دفاع کامل در جهت اسقاط ضمان محسوب شود.

برخلاف دیدگاه برخی از نویسندگان که قاعده هشدار را هم در اثبات ضمان و هم در انتفای ضمان مؤثر می‌دانند باید گفت: بر اساس قواعدی مانند؛ اتلاف و تسبیب، اصل بر مسئولیت عامل زیان است و وی به‌عنوان خواننده دعوی که مسئول ظاهری جبران خسارت زیان‌دیده است، می‌تواند قاعده هشدار را به‌عنوان عامل معافیت از مسئولیت، مورد استفاده و استناد قرار دهد. اگر ثابت نماید که هشدار لازم را داده است در این صورت با وجود سایر شرایط، از مسئولیت به‌طور کامل معاف می‌شود. به تعبیر دیگر همان طوری که توضیح داده شد، قاعده هشدار در رفع مسئولیت کارآ بوده و در صورت هشداردادن با رعایت شرایط آن، مسئولیت از عامل زیان برداشته می‌شود. اگر هشدار همراه با شرایط آن (مانند امکان درک خطر و امکان ترک خطر) داده نشود، در آن صورت مسئولیت عامل زیان به قوت خود باقی است و عدم هشداردهی و یا عدم رعایت شرایط هشدار نمی‌تواند موجب تحدید مسئولیت عامل زیان به استناد قاعده هشدار باشد. شهید ثانی می‌فرماید: «إنما ینتفی الضمان عن الرامی مع التحذیر حیث یسمع المرمی و یمکنه الحذر، فلو لم یسمع أولم یمکنه فالدیة علی عاقله الرامی، لأنه خطأ محض» (شهید ثانی: ۱۵/۱۴۱۳: ۳۴۱). عدم هشداردهی که نوعی تقصیر به حساب می‌آید ممکن است مسئولیت‌آور باشد و معمولاً در باب مسئولیت، نقص در هشداردهی عاملی در جهت اثبات تقصیر تلقی شده، اما در اینجا مبنای مسئولیت، قاعده هشدار نیست بلکه قواعد دیگر مسئولیت می‌باشد. به سخن دیگر، در برابر موجبات ضمان، افعال و اقوالی نیز ساقط‌کننده ضمان محسوب می‌شوند (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۹۱). قاعده هشدار به‌عنوان یکی از مسقطات ضمان به‌کار گرفته می‌شود؛ بنابراین در تأثیر قاعده هشدار نسبت به هشداردهنده می‌توان گفت که اگر عامل زیان با رعایت کلیه شرایط پیش‌گفته، هشدار لازم و بایسته را به‌هنگام بدهد از مسئولیت به‌طور کلی مبرا می‌شود و قاعده هشدار برای چنین خواننده‌ای مُسقط ضمان و یک دفاع

کامل محسوب می‌شود ولی اگر عامل زیان به وظیفه هشداردهی عمل ننماید در این صورت مسئولیت وی بنا به دلایل و موجبات ضمان کماکان باقی است و عدم هشداردهی در واقع می‌تواند به‌عنوان تقصیر مثبت رابطه سببیت بین عمل عامل زیان و ضرر باشد که در فرض اخیر مسئولیت عامل زیان بر اساس اصل ضمان می‌باشد و قاعده هشدار به‌عنوان مسقط ضمان عمل نمی‌کند.

۱-۴. اصل بر مسئولیت عامل زیان

بحثی که می‌توان مطرح کرد این است که بار اثبات دلیل با عامل زیان است یا زیان‌دیده؟ در فرض مذکور (وقوع حادثه و وجود رابطه سببیت بین عامل زیان و خسارت) این عامل زیان است که باید برای معافیت از مسئولیت ارائه دلیل نماید. همان طوری که در روایت امام صادق (ع) به آن اشاره شد که پرتاب‌کننده گردو نزد علی (ع) بینه آورد که نسبت به خطر احتمالی، هشدار لازم را داده است و با اثبات آن با استناد به قاعده هشدار از مسئولیت معاف شده است. لذا گفته شده؛ بار اثبات دلیل برای عدم مسئولیت با عامل ظاهری زیان است؛ به سخن دیگر، اصل، عدم هشدار است و مدعی باید برای اثبات اینکه هشدار لازم را داده، دلیل ارائه نماید و اگر نتواند بینه اقامه کند قول زیان‌دیده با سوگند معتبر است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷/۹۰: ۱۱۰).

۵. اثر هشدار نسبت به مسئولین تبعی

اصل شخصی بودن مسئولیت بدین معناست که اگر کسی به دیگری زیان بزند در درجه اول خودش باید عهده‌دار جبران و تدارک خسارت باشد و در صورتی که هشدار داده باشد نسبت به مسئول اصلی (هشداردهنده) مؤثر بوده و موجب رفع مسئولیت وی است. مع الوصف اصل مذکور دارای استثنائاتی است و یکی از این استثنائات راجع به مسئولین تبعی است. کسانی که به تبع مسئول اصلی در نظام حقوقی مسئول تلقی می‌شوند و جایگزین مسئول اصلی متکفل جبران ضرر زیان‌دیده به حساب می‌آیند. از این مسئولین تبعی، عاقله، بیمه و بیت‌المال هستند که در ادامه اثر هشدار در آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۵. عاقله

عاقله در اصطلاح و طبق قول مشهور فقها به خویشان ذکور نسبی گفته می‌شود که در جنایات مبتنی بر خطا از سوی جانی، مسئولیت جبران دیه بر دوش آن‌هاست و باید بالغ و عاقل باشند (فیض، ۱۳۶۸/۲: ۴۶۰). در ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به‌صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند».

قانون‌گذار ایران نهاد عاقله را پذیرفته و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۳۷۵، ۴۳۵، ۴۵۳، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۵۲۷، ۵۵۶، ۷۱۸ به بیان احکام مربوط به آن پرداخته است. در حقوق کشورهای پیشرفته نیز قواعدی وجود دارد که با نهاد عاقله قابل تطبیق است. در فقه اسلامی با توجه به جامعیت آن، قرن‌های متمادی ای است که نهادهایی چون مسئولیت عاقله، مسئولیت خویشاوندان و مسئولیت بیت‌المال پیش‌بینی شده و این در حالی است که اخیراً در حقوق فرانسه، مسئولیت مدنی جمعی شده و نهادهایی برای جبران خسارت ایجاد گردیده و مسئولیت ناشی از عمل غیر، تبدیل به یکی از قواعد مسئولیت مدنی شده است.

قانون‌گذار ایران به پیروی از فقه امامیه، در باب ضمان عاقله، مسئولیت مدنی را بر اشخاصی تحمیل نموده که دخالتی در ایجاد حادثه نداشته و طبق عموماً به علت عدم امکان انتساب به آن‌ها، نباید مسئول تلقی شوند. ضمان عاقله شامل جبران خسارت ناشی از اتلاف اموال دیگران نمی‌شود بلکه صرفاً درباره خسارت بدنی و جانی (دیه) است. در ماده ۴۶۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: «عاقله، تنها مکلف به پرداخت دیه خطای محض است، لیکن ضامن اتلاف مالی که به طور خطایی تلف شده است نمی‌باشد». برخی در توجیه ضمان عاقله، آن را شبیه به بیمه و گونه خاصی از مصادیق بیمه متقابل عنوان کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۱: ۶۰). در مجامع حقوقی نیز به دلیل امکان طرح عذر ناتوانی در پرداخت خسارت از سوی عاقله و تحمیل خسارت به بیت‌المال و تمسک به این حربه از سوی افراد جامعه برای ارتکاب جرم و شانه خالی کردن از بار مسئولیت، چنین طرح شده که بیمه جنایات خطای محض می‌تواند به منزله منبع جبران خسارت در نظر گرفته شود که این امر باعث حمایت زیان‌دیده و عامل زیان خطای محض است.

در اینکه ضمان عاقله حکمی وضعی است یا تکلیفی، بین فقها اختلاف است. ثمره اختلاف این می‌شود که اگر ضمان عاقله وضعی باشد در این صورت عاقله مسئول اصلی جبران زیان محسوب می‌شود و عامل زیان (جانی) هیچ مسئولیتی ندارد؛ اما اگر ضمان عاقله را تکلیفی بدانیم در این صورت مسئول و مدیون اصلی شخص عامل زیان است و عاقله از طرف ایشان نسبت به تدارک زیان اقدام می‌نماید و امکان مراجعه به مسئول اصلی نیز ممکن می‌شود. طبق حکم عقل و عرف عقلا، هر کسی مسئول اعمال خودش است و هیچ‌کس در مقابل جنایت دیگری مسئولیتی ندارد. مشهور فقها با توجه به آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (فاطر: ۱۸) عاقله را مدیون اصلی نمی‌دانند اما حکم عاقله را تکلیفی می‌شمارند. فقها در ضمان رami به علت اینکه عمد و قصدی در میان نیست و به علت خطئی بودن عمل زیان‌بار، ضمان را بر عهده عاقله می‌دانند (نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۶۸) یا با این عبارت که در جنایات خطئی، مسئول پرداخت دیه عاقله می‌باشد (سبزواری، ۲۹/۱۴۱۳: ۱۱۷).

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمان عاقله را حکم تکلیفی دانسته و در ماده ۴۷۰ آن آمده است: «در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر پردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست». لذا گفته شده ضمان عاقله حکم تکلیفی محض است و کسی که ضمان به‌عهده اوست خود جانی است نه غیر او، نهایت اینکه این تکلیف بر عاقله است که آن را از قبل جانی پردازد (گرجی، ۱۳۶۶: ۸۷).

فقه‌های زیادی در بحث ضمان رامی به این موضوع اشاره نموده‌اند که اگر کسی بین تیرانداز و هدف عبور کند و مورد اصابت قرار گیرد عاقله تیرانداز ضامن است (محقق حلی، ۴/۱۴۰۸: ۲۳۴؛ علامه حلی، ۲/۱۴۰۳: ۲۲۴؛ فخرالمحققین، ۴/۱۳۸۷: ۶۵۹) و علت ضمان عاقله این است که جنایت ارتکابی خطای محض می‌باشد اما اگر تیرانداز هشدار بدهد و مخاطب هشدار علی‌رغم شنیدن و تمکن از عدول، اجتناب از خطر نکند در این صورت عاقله نیز ضامن نیست (اردبیلی، ۴/۱۴۰۳: ۲۴۴). از سخن فوق می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه ضمان عاقله بنا به مشهور فقها یک حکم تکلیفی است ولی نمی‌تواند رابطه بین عامل زیان و عاقله را منتفی کند با این توضیح که در ابتدا مسئولیت عامل زیان باید تحقق یابد و سپس مسئولیت عاقله مشخص شود. وقتی که عامل زیان با هشدار دادن مسئول تلقی نمی‌شود در واقع مثل این است که هیچ جنایتی حتی خطئی از او سر نزده تا مستلزم مسئولیت عاقله باشد. در شرایط توجه مسئولیت به رامی گفته شده؛ اگر رامی هشدار بهنگام ندهد و یا شرایط هشدار را رعایت نکند چنانچه قصد جنایت داشته باشد ضمان متوجه خود اوست؛ ولی اگر قصد نداشته باشد در این صورت عمل رامی خطئی محسوب است که عاقله او ضامن است (شهید ثانی، ۱۵/۱۴۱۳: ۳۵۲). «بناء علی إرادته قبول عذر المحذر علی وجه لا یترتب علی فعله ضمان، لا علیه و لا علی عاقلته» (نجفی، ۴/۱۴۰۴: ۶۸)؛ یعنی در واقع معذرت رامی باعث تسری عدم مسئولیت وی به عاقله نیز می‌شود به سخن دیگر؛ وقتی که عذر هشداردهنده پذیرفته شود در این صورت موجبی برای مسئول دانستن وی یا عاقله نیست.

به هر حال در ضمان رامی اگر رامی قصد عمل عمدی داشته باشد، مجازات قصاص متوجه اوست و اگر عمل وی شبه‌عمدی باشد جبران خسارت از مال خودش می‌باشد؛ اما اگر عمل رامی عمدی و شبه‌عمدی نباشد خطای محض است و دیه آن با عاقله است. بدیهی است که در عمل عمدی قاعده هشدار هیچ کاربردی ندارد و دلیل آن را در شرایط قاعده هشدار بیان کردیم. گفته شده؛ اگر رامی از میان تیراندازان به قصد قتل به شخصی تیراندازی و بر اثر اصابت تیر کشته شود قتل عمدی است (فاضل هندی، ۱۱/۱۴۱۶: ۲۵۲). لذا اگر هدف تیرانداز، مجنی علیه باشد و تیر به او

اصابت کند قتل عمدی است حتی اگر هشدار داده و معجنی علیه شنیده و امکان فرار برایش وجود داشته باشد. در عمل شبه‌عمدی و خطای محض قاعده هشدار کاربرد دارد. اگر قاعده هشدار با تمام شرایط انجام شود و مخاطب هشدار علی‌رغم تمکن از حفظ خودش از خطر اجتناب نکند در این صورت در شبه‌عمدی، عامل زیان و در خطای محض، عاقله از مسئولیت مبرا خواهند بود. لذا گفته شده اگر تیرانداز شفاهی یا کتبی یا عملاً هشدار دهد و عابر متوجه باشد و امکان پرهیز از خطر برایش فراهم باشد، کسی مسئول جان او یا ضرر وارده نیست (سبزواری، ۱۳۹۱/۲۹: ۱۱۷).

بنابراین در مواقعی که تیرانداز با هشدار بموقع، اجتناب از خطر را به مخاطب گوشزد نماید در این صورت نه تنها ضامن نیست بلکه عاقله وی نیز ضامن نیست (فاضل هندی، ۱۳۹۱/۱۱: ۲۵۲). ولی اگر بموقع هشدار ندهد و یا در هشدار دادن شرایط لازم را رعایت نکند و یا هشدار به سمع و اطلاع مخاطب هشدار نرسد به علت عدم تحقق هشدار، با باقی بودن خطای عامل زیان، عاقله ضامن خواهد بود و در این صورت عمل زیان‌آور مستند به عامل زیان است (کاشانی، ۱۳۸۰/۱۴: ۷۱). به نظر می‌رسد علت آن باشد که با جری قاعده هشدار در واقع رابطه انتساب بین فعل عامل زیان و زیان وارده قطع می‌شود و فعل عامل زیان منصرف از خطای محض تلقی می‌شود (تبریزی، ۱۳۸۸/۱۴: ۶۹). در عبارات فقها می‌توان این نتیجه را ملاحظه کرد که با وجود قاعده هشدار نه تنها ضمان از هشداردهنده رفع می‌شود بلکه از عاقله وی نیز رفع می‌شود. به بیان دیگر، عذر هشداردهنده به گونه‌ای پذیرفته شده که هیچ‌گونه مسئولیتی بر عمل او مترتب نباشد؛ نه خود او ضامن پرداخت دیه شود و نه عاقله او (محقق داماد، ۱۳۸۶/۲: ۲۴۲). «و من جنى على أحد بعد أن قال: حذار، لم يضمن عاقلته جنایته» (حائری، ۱۳۸۱/۱۶: ۲۷۷).

۲-۵. بیت‌المال

بیت‌المال در لسان فقها معمولاً به مصالح مسلمین تعبیر می‌شود. (فخرالمحققین، ۱۳۸۷/۴: ۳۱۰؛ شهید ثانی، ۱۳۸۳/۱۴: ۳۴۷؛ اردبیلی، ۱۳۸۳/۸: ۹۴؛ نجفی، ۱۳۸۴/۴۰: ۵۲؛ تبریزی، ۱۳۸۸/۱۴: ۳۶۲). در منابع فقهی، بیت‌المال یا امام مسلمین در موارد متعددی به جای عامل زیان، عهده‌دار پرداخت خسارت تلقی شده و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۱۳، ۱۵۶، ۳۳۳، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۵۶ به پرداخت دیه از بیت‌المال اشاره شده است. از اینکه چرا بیت‌المال باید دیه و ضرر و زیان را جبران کند، مبانی مختلفی مورد استناد قرار گرفته از جمله «لایبطل دم امرء مسلم» و قاعده «حرمة مال مسلم كحرمة دمه» و قاعده «من له الغنم فعليه الغرم» و ... اما آنچه موضوع بحث است ناظر به قلمرو پرداخت خسارت از ناحیه بیت‌المال می‌باشد با این بیان که در مواقعی که بیت‌المال به تبع مسئول اصلی، مسئول تلقی می‌شود؛ با اعمال قاعده هشدار و رفع مسئولیت عامل زیان، آیا مسئولیت بیت‌المال نیز مرتفع است یا خیر؟

فقها در بحث ضمان رامی، با وجود شرایط قانونی هشدار، عامل زیان و عاقله و بیت‌المال را از مسئولیت مبرا دانسته‌اند. همان تعلیلی که در رفع ضمان از عاقله بیان شد در اینجا نیز جاری می‌شود. در ماده ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود». از مفهوم قید «مرتکب» می‌توان استنباط نمود که در حادثه موضوع قاعده هشدار، عامل زیان به علت قطع رابطه استناد اساساً مرتکب فعل زیان‌بار محسوب نمی‌شود که با فرار و یا عدم دسترسی به اموال و یا عدم کفایت مال وی، دیه از بیت‌المال پرداخت گردد؛ به دیگر سخن، در این فرض، پرداخت دیه بر عهده خود مرتکب است و شامل فرضی که مرتکب به علت اعمال قاعده هشدار هیچ مسئولیتی ندارد، نمی‌شود.

در برخی قوانین خاص مانند ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین که علی‌رغم رفع مسئولیت از عامل زیان، مسئولیت بیت‌المال منتفی دانسته نشده است؛ منصرف از قاعده هشدار است. همچنین در ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی که دیه فوت یا صدمه بدنی حاصل از انجام وظایف قانونی مأمورین را به عهده بیت‌المال دانسته، ماده مذکور منصرف از قاعده هشدار است چراکه اگر مأموری در اجرای وظایف قانونی، هشدار لازم را بدهد و زیان دیده بدون توجه به هشدار به محل خطر بیاید و متحمل صدمه شود در این صورت بیت‌المال مسئولیتی در پرداخت دیه ندارد و نظر قانون‌گذار منصرف از تقصیر زیان‌دیده است. بنابراین قانون‌گذار در مقام بیان یک اصل کلی است که بر اساس آن، جبران خسارت از ناحیه بیت‌المال را منوط به عدم عمد و تقصیر دانسته است یعنی اگر عامل زیان در ایراد خسارت عمد داشته یا تقصیر نموده باشد در این صورت زیان باید توسط خودش جبران شود؛ و بیت‌المال متکفل پرداخت خسارت عمدی و تقصیر دیگران نیست.

۳-۵. بیمه

بیمه نوعی تعهد و پیمان میان اشخاص حقیقی یا حقوقی است که به موجب آن یک طرف متعهد می‌گردد در ازای پرداخت مبلغی از سوی طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او یا بخشی از آن را جبران نماید. در بیمه مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادثی موضوع بیمه قرار می‌گیرد که می‌تواند در اثر عمل یا رفتار شخص یا اشخاص وابسته و یا ناشی از اشیا و اموال تحت مالکیت یا تصرف او ایجاد شود.

طبق ماده ۱۴ قانون بیمه، بیمه‌گر مسئول خسارات ناشی از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود. تقصیر طبق ماده ۹۵۳ قانون مدنی، اعم از تفریط و تعدی است و در امور کیفری تقصیر

اعم از عمد و غیرعمد و شامل بی احتیاطی و بی مبالاتی و رعایت نکردن مقررات و نداشتن مهارت می‌باشد. اگر به ظاهر ماده مذکور اکتفا شود در تمام حوادثی که به نوعی تقصیر بیمه‌گذار در آن مدخلیت دارد بیمه‌گر هیچ‌گاه مسئول قرار نمی‌گیرد و پذیرش ظاهر ماده ۱۴ موجب می‌شود تا بخش عمده‌ای از قراردادهای بیمه مسئولیت، بی اثر شود، لذا منظور از تقصیر در ماده ۱۴ همان عمد بیمه‌گذار است بلکه می‌توان گفت؛ منظور از تقصیر در این ماده، خطایی است که قابل پیش‌بینی بوده و بیمه‌گذار عادتاً می‌توانسته مانع از انجام یا عدم انجام آن بشود و شامل شخص ثالث زیان‌دیده نیز می‌شود؛ یعنی اگر شخص ثالث زیان‌دیده در حادثه‌ای که منجر به ایراد خسارت جانی یا مالی شده، عمد داشته باشد، مطابق قاعده اقدام خسارت وی جبران‌شدنی نخواهد بود. البته قانون‌گذار در خصوص عمد بیمه‌گذار استثنایی هم قائل شده که در ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۹۵/۲/۲۰ به آن اشاره نموده است. مطابق ماده مذکور، در فرض عمد بیمه‌گذار خسارت شخص ثالث زیان‌دیده را قابل جبران دانسته است. در خصوص قاعده هشدار همان طوری که پیش‌تر بیان شد اساساً قاعده هشدار در مواردی که عمد و قصد در میان باشد کاربرد ندارد و صرفاً در موضوعات غیرعمدی مؤثر در رفع مسئولیت عامل زیان است. مع الوصف عامل زیان با هشداردهی بموقع و واجد شرایط از مسئولیت مبرا است و زیان‌دیده (اعم از مخاطب هشدار و یا اشخاص ثالث) نمی‌توانند جهت تدارک زیان به هشداردهنده مراجعه نمایند اما در اینکه ملازمه بین عدم مسئولیت هشداردهنده و بیمه (مسئول تبعی) وجود دارد یا خیر، محل بحث می‌باشد.

در قوانین بیمه، رفع مسئولیت از عامل زیان مانعی جهت مراجعه به بیمه و جبران خسارت طبق تعهدات بیمه‌ای نیست. مؤید آن، ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی است که عدم مسئولیت راننده در تصادف با عابر (مخاطب هشدار علائم رانندگی منصوبه در گذرگاه و مسیر ویژه) را مانع استفاده مصدوم از مزایای بیمه ندانسته است. در ماده یادشده هشدار قانون‌گذار از موارد رفع مسئولیت به حساب آمده است. در برخی مواقع هشدار قانون‌گذار تنها مخاطب را از طرح دعوی کیفری منع می‌کند ولی امکان دارد از باب مسئولیت مدنی و بیمه قادر به طرح دعوی مسئولیت مدنی باشد. همچنین تبصره ۲ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسیله نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ بیمه‌گر را ملزم به جبران خسارت‌های وارده به اشخاص ثالث تا حد مذکور در بیمه‌نامه دانسته است و با ملاحظه جدول مصادیق و عناوین تخلفات رانندگی حادثه‌ساز مصوب ۸۷/۱۰/۲۹ به مواردی از علائم هشداردهنده اشاره شده است. لذا در خصوص بیمه علی‌رغم رفع مسئولیت از عامل زیان تعهد بیمه در جبران خسارت می‌تواند به قوت خودش باقی

باشد. مضافاً اینکه راجع به حوادث رانندگی، قانون‌گذار با پیش‌بینی صندوقی مستقل تحت عنوان «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» در مواقعی که بنا به علل مندرج در ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری مارالذکر مانند فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته‌نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، خسارات قابل پرداخت توسط بیمه‌گر نباشد و یا خارج از سقف تعهد بیمه‌گر باشد، قابل تدارک زیان توسط صندوق مذکور می‌باشد که در واقع نگاه قانون‌گذار در جهت حمایت از زیان‌دیدگان این‌گونه حوادث بوده است. علی‌هذا در موقعی که هشداردهنده به موقع و با جمع شرایط اقدام به هشداردهی نماید و به علت عدم توجه مخاطب هشداژ حادثه رخ دهد از هشداردهنده رفع مسئولیت می‌شود و لکن زیان‌دیده (چه شخص مخاطب هشدار یا اشخاص ثالث) می‌تواند در محدوده تعهدات بیمه‌ای برای جبران خسارت به بیمه‌گر مراجعه نمایند. البته طبق ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری فوق‌الذکر، بیمه‌گر در مواردی خاص می‌تواند پس از پرداخت خسارت زیان‌دیده به قائم‌مقامی وی از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه نماید.

نتیجه

۱. شرایط لازم برای هشدار رافع مسئولیت عبارتند از «تناسب هشدار با خطر»، «عمدی نبودن عمل زیان‌بار»، «تقدم هشدار بر ضرر»، «امکان درک خطر» و نیز «امکان ترک خطر» که هشدار قانونی با فقدان حتی یکی از این شرایط، محقق نمی‌شود.
۲. موقعی که به علت عدم جمع شرایط، هشدار مصطلح صورت نگیرد، استناد به قاعده هشدار برای اثبات مسئولیت عامل زیان کارا نمی‌باشد؛ چراکه با عدم رعایت شرایط هشدار در واقع هشدار قانونی، محقق نشده است و در نتیجه دفاع با استناد به قاعده هشدار مردود است.
۳. قاعده هشدار با جمع شرایط، رافع مسئولیت عامل زیان است و به‌عنوان یکی از مُسقطات ضمان محسوب شده و می‌تواند یک دفاع کامل برای خواننده (مسئول اصلی) تلقی شود و زیان‌دیده (مخاطب هشدار) نه‌تنها نمی‌تواند جهت جبران خسارات وارده به خود به عامل زیان مراجعه نماید، بلکه مسئول تدارک زیان وارده به دیگران نیز می‌باشد.
۴. قاعده هشدار همان طوری که عامل زیان را از مسئولیت مدنی (جبران خسارت) معاف می‌نماید، باعث رفع مسئولیت نسبت به اشخاصی می‌شود که به‌تبع مسئول اصلی (مانند عاقله، بیت‌المال، بیمه)، مسئول تلقی می‌شوند. البته در خصوص بیمه با توجه به قوانین خاص، مانعی جهت مراجعه زیان‌دیده به بیمه برای تدارک زیان طبق تعهدات بیمه نمی‌باشد (قسمت اخیر ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی).

منابع

فارسی

- جامپین جونیز، والتر. تی (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی در ورزش، مترجم: آقائی نیا، حسین، تهران: انتشارات دادگستر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران: کتابخانه گنج دانش
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- صباح مشهدی، حمید (۱۳۸۵)، «بررسی و تبیین قاعده تحذیر (هشدار)»، مجله دادرسی، شماره ۶۰.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، قواعد فقه بخش حقوق خصوصی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- فیض، علیرضا (۱۳۶۸)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۶)، «ضمان عاقله»، فصلنامه حق-مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۱)، «بیمه متقابل در پیشینه اسلامی- ضمان عاقله و جریره»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مقدادی، محمد مهدی (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی ورزشکاران، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- مقدادی، محمد مهدی، «تأثیر هشدار در انتفای مسئولیت مدنی پزشکان»، فصلنامه فقه پزشکی، زمستان ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱، شماره ۹ و ۱۰.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۷)، قواعد فقهیه، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

عربی

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن براج، قاضی، عبد العزیز (۱۴۰۶ ق)، المهذب، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ ق)، معجم مقائیس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، بیروت: دار الکتب الإسلامیه.
- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، جامع احادیث الشیعة، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۸ ق)، تنقیح مبانی الاحکام- کتاب اللدیات، قم: دار الصدیقه الشهیده (س).
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین.

- حانری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ ق)، *ریاض المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشيعة*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۷ ق)، *الفقه*، بیروت: چاپ دارالعلوم.
- حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین (۱۴۰۳ ق)، *الكافی فی الفقه*، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
- زبیدی (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ ق)، *مهذب الأحكام*، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ ق)، *خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)*، آستان قدس رضوی چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق)، *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشّی - کلاتر)*، تهران: کتابفروشی داوری.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ ق)، *مجمع البحرين*، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق)، *تهذيب الأحكام*، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰ ق)، *تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية (ط - الحديثة)*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- علامه حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۰۳ ق)، *نضد القواعد الفقهية علی مذهب الإمامية*، در یک جلد، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق)، *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف حلّی (۱۳۸۷ ق)، *إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ ق)، *الوافی*، قم: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- کاشانی، حاج رضا مدنی (۱۴۰۸ ق)، *کتاب الديات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاشف الغطاء، احمد بن علی (۱۴۲۳ ق)، *سفينة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات*، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الكافی*، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶ ق)، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- محقق حلّی، نجم الدین (۱۴۰۸ ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، قم.

- میرفتاح، ابن علی مراغه‌ای (۱۴۱۷ ق)، *العناوین الفقہیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.